

آثار و احکام استیفای بلاجهت در رویه قضایی

سورنا سیاه مرد^۱، ناهید کامران زاده^۲* محمد رحیم بهبهانی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

چکیده

مقدمه و هدف: با گسترش روابط اقتصادی و افزایش تعاملات مالی، موارد بهره‌مندی اشخاص از مال، منفعت یا عمل دیگران بدون وجود سبب قانونی یا قراردادی بیش از گذشته مطرح شده و بررسی آثار و احکام آن در نظام حقوقی ایران اهمیت ویژه‌ای یافته است. پژوهش حاضر با هدف تبیین مفهوم استیفای بلاجهت، بررسی انواع آن و تحلیل آثار و احکام این نهاد در رویه قضایی ایران انجام شده است.

روش‌شناسی پژوهش: پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعه کتاب‌ها، مقالات علمی، منابع فقهی و حقوقی، قوانین و مقررات مرتبط و آرای قضایی گردآوری شده و سپس با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین دیدگاه‌های حقوقدانان برجسته در حوزه الزامات خارج از قرارداد و رویه قضایی مرتبط با استیفای بلاجهت تحلیل شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که استیفای بلاجهت در حقوق ایران به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن شخصی بدون وجود سبب قانونی یا مشروع از مال، منفعت یا عمل دیگری بهره‌مند شده و در نتیجه بر دارایی وی افزوده می‌شود. همچنین مشخص گردید که استیفا در حقوق ایران عمدتاً به دو نوع استیفا از مال غیر و استیفا از عمل غیر تقسیم می‌شود. بررسی رویه قضایی نیز نشان داد که دادگاه‌ها با استناد به قواعد استیفا و دارا شدن بلاجهت، شخص منتفع را به پرداخت اجرت‌المثل، استرداد مال یا جبران منافع تحصیل‌شده ملزم می‌کنند. علاوه بر این، نتایج حاکی از آن است که با وجود پذیرش عملی این نهاد در رویه قضایی، فقدان مقررات مستقل و جامع موجب بروز برخی اختلافات تفسیری در تشخیص شرایط تحقق و آثار حقوقی آن شده است.

نتیجه‌گیری: پیش‌بینی ضمانت‌اجراه‌های مؤثر برای موارد استیفای بلاجهت، یکی از ابزارهای مهم تحقق عدالت ترمیمی در حقوق و رویه قضایی ایران محسوب می‌شود و می‌تواند نقش بسزایی در جبران خسارت، حمایت از حقوق اشخاص و جلوگیری از دارا شدن بدون سبب ایفا کند.

کلیدواژه‌ها: استیفای بلاجهت، دارا شدن بدون سبب، رویه قضایی، الزامات خارج از قرارداد، حقوق ایران.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون،

ایران Sardar.siahmard2020@iau.ac.ir

^۲ * استادیار، گروه حقوق، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران. (نویسنده مسئول).

Nahidkamranzadeh@iau.ac.ir

^۳ استادیار، گروه حقوق، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران Mohammadrahimbebahani@iau.ac.ir

مقدمه

مالکیت و حمایت از اموال اشخاص از بنیادی‌ترین نهادهای حقوق خصوصی به شمار می‌روند و بخش مهمی از روابط اقتصادی و اجتماعی افراد بر محور آن شکل می‌گیرد. نظام‌های حقوقی برای انتقال مشروع ثروت و جابه‌جایی دارایی‌ها، اسباب و مبانی مشخصی از جمله عقد، ایقاع، قانون و عرف را پیش‌بینی کرده‌اند. در چنین ساختاری، هرگونه افزایش دارایی اشخاص باید مبتنی بر سبب قانونی و مشروع باشد؛ زیرا مشروعیت انتقال ثروت، ضامن تحقق عدالت و امنیت حقوقی در جامعه است. با این حال، در برخی موارد دارایی شخصی بدون وجود مبنای قانونی و به زبان دیگری افزایش می‌یابد که این وضعیت در حقوق تحت عنوان «استیفای بلاجهت» یا «دارا شدن بدون سبب» شناخته می‌شود (قاسم‌زاده، ۱۳۸۶).

استیفای بلاجهت یکی از مهم‌ترین مباحث منابع تعهدات خارج از قرارداد است که هدف اصلی آن جلوگیری از انتقال ناموجه ثروت و بازگرداندن تعادل اقتصادی میان اشخاص است. بر اساس این نهاد حقوقی، هرگاه شخصی بدون وجود قرارداد، قانون یا سبب مشروع، از مال، منفعت یا عمل دیگری منتفع شود و در نتیجه دارایی وی افزایش یابد، مکلف به جبران آن خواهد بود. اهمیت این موضوع زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم بسیاری از اختلافات مالی و دعاوی مطروحه در محاکم، ناشی از بهره‌مندی اشخاص از اموال یا خدمات دیگران بدون وجود مبنای قانونی روشن است (کاتوزیان، ۱۳۷۷).

در ادبیات حقوقی ایران، مفهوم استیفا در معنای عام به بهره‌مندی از مال یا عمل دیگری اطلاق می‌شود و در مباحث ضمان قهری و منابع تعهد جایگاه ویژه‌ای دارد. کاتوزیان استیفا را وضعیتی می‌داند که در آن شخص به هزینه یا کار دیگری بر دارایی خود می‌افزاید، خواه این افزایش از طریق تملک باشد یا استفاده از منافع. از سوی دیگر، باریکلو نیز استیفا را بهره‌برداری از مال یا عمل دیگری بدون انعقاد قرارداد دانسته و آن را یکی از مبانی ایجاد تعهد معرفی می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۷؛ باریکلو، ۱۳۸۵).

با وجود اهمیت نظری و عملی این نهاد، قانون مدنی ایران مقررات مستقلی درباره استیفای بلاجهت پیش‌بینی نکرده و تنها در برخی مواد پراکنده نظیر مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی و همچنین ماده ۳۱۹ قانون تجارت می‌توان نشانه‌هایی از پذیرش این نهاد را مشاهده کرد. همین پراکندگی مقررات موجب شده است که در تفسیر شرایط تحقق، آثار و احکام استیفای بلاجهت میان حقوق‌دانان و محاکم اختلاف‌نظرهایی به وجود آید. از این رو، بخش مهمی از ابعاد این نهاد از طریق رویه قضایی و آرای محاکم تکمیل و تبیین شده است (قاسم‌زاده، ۱۳۸۶).

یکی از چالش‌های اساسی در این حوزه، تمایز میان استیفای بلاجهت و مفاهیم مشابهی همچون ایفای ناروا است. هرچند هر دو نهاد به انتقال ناموجه دارایی ارتباط دارند، اما منشأ ایجاد مسئولیت در آنها متفاوت است. در ایفای ناروا، شخص مالی را به تصور وجود دین پرداخت می‌کند، در حالی که اساساً دینی وجود نداشته است؛ اما در استیفای بلاجهت، افزایش دارایی شخص بدون هرگونه سبب مشروع و غالباً به هزینه دیگری تحقق می‌یابد. عدم تفکیک دقیق این دو مفهوم می‌تواند موجب صدور آرای متفاوت و بعضاً متعارض در محاکم شود و امنیت حقوقی اشخاص را تحت تأثیر قرار دهد (سیدخندانی، ۱۳۹۲؛ کاتوزیان، ۱۳۷۷).

از سوی دیگر، رویه قضایی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تفسیر و تکمیل قواعد حقوقی، نقش تعیین‌کننده‌ای

در تبیین آثار و احکام استیفای بلاجهت ایفا می‌کند. آرای دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد متعدد به موضوعاتی همچون الزام به رد مال، پرداخت قیمت مال، جبران منافع فوت‌شده، جبران خسارات وارده و تعیین حدود مسئولیت منتفع پرداخته‌اند. از این منظر، مطالعه رویه قضایی می‌تواند خلأهای تقنینی موجود را آشکار ساخته و نحوه برخورد عملی دستگاه قضایی با دعاوی مرتبط با استیفای بلاجهت را روشن کند (مردانی و بهشتی، ۱۳۸۰).

علاوه بر این، بررسی دیدگاه‌های حقوقی نشان می‌دهد که درباره ماهیت حقوقی استیفا نیز اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از حقوقدانان آن را در قالب نظریه شبه‌عقد تحلیل کرده‌اند، گروهی آن را نوعی عقد دانسته‌اند و عده‌ای نیز ماهیت آن را ترکیبی از عقد و ضمان قهری معرفی کرده‌اند. این اختلاف دیدگاه‌ها بیانگر پیچیدگی مفهومی و عملی نهاد استیفای بلاجهت و ضرورت پژوهش‌های عمیق‌تر در این زمینه است (کاتوزیان، ۱۳۹۰؛ لنگرودی، ۱۳۵۷).

با توجه به افزایش روابط اقتصادی، گسترش معاملات و تنوع شیوه‌های بهره‌برداری از اموال و خدمات دیگران، احتمال وقوع مصادیق استیفای بلاجهت بیش از گذشته شده است. از این رو، بررسی جامع آثار و احکام این نهاد در رویه قضایی ایران نه تنها از منظر نظری برای توسعه ادبیات حقوقی ضروری است، بلکه از جنبه عملی نیز می‌تواند در ایجاد وحدت رویه، کاهش اختلافات قضایی و حمایت مؤثر از حقوق اشخاص نقش مهمی ایفا کند. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش آن است که آثار و احکام استیفای بلاجهت در رویه قضایی ایران چیست و محاکم ایرانی در مواجهه با دعاوی ناشی از دارا شدن بدون سبب چه رویکردی را اتخاذ کرده‌اند؟

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از حیث ماهیت، توصیفی - تحلیلی و از حیث روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. داده‌های پژوهش از طریق بررسی منابع معتبر شامل کتاب‌ها، مقالات، نشریات علمی، آرای قضایی و اسناد حقوقی جمع‌آوری شده و سپس با استفاده از روش فیش‌برداری و تحلیل محتوایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. هدف از این رویکرد، تبیین و تحلیل آثار و احکام استیفای بلاجهت در رویه قضایی ایران است.

یافته‌ها

استیفای بلاجهت از منظر رویه قضایی ایران چه آثار و احکامی دارد؟

استیفای بلاجهت یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوقی در حوزه الزامات خارج از قرارداد است که هدف اصلی آن جلوگیری از دارا شدن نامشروع اشخاص و برقراری عدالت اقتصادی میان افراد جامعه است. هرچند قانون مدنی ایران مقررات مستقلی را تحت عنوان «استیفای بلاجهت» پیش‌بینی نکرده است، اما از مجموعه مواد ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی و همچنین آرای محاکم می‌توان پذیرش این نهاد را در نظام حقوقی ایران استنباط کرد. بررسی رویه قضایی نشان می‌دهد که دادگاه‌ها در مواردی که شخصی بدون وجود سبب قانونی یا

قراردادی از مال، منفعت یا عمل دیگری منتفع شده باشد، وی را ملزم به جبران خسارت و بازگرداندن منافع تحصیل شده می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۹۰).

یکی از مهم‌ترین آثار استیفای بلاجهت، ایجاد تعهد به پرداخت اجرت‌المثل است. در مواردی که شخص از کار یا خدمات دیگری بهره‌مند می‌شود، بدون آنکه قراردادی میان آنان وجود داشته باشد، دادگاه‌ها با استناد به قواعد استیفا، شخص منتفع را به پرداخت اجرت‌المثل محکوم می‌کنند. این امر نشان‌دهنده آن است که قانون و رویه قضایی ارزش اقتصادی کار انسان را به رسمیت شناخته و اجازه نمی‌دهد فردی بدون پرداخت عوض مناسب از فعالیت دیگری بهره‌مند شود. در واقع، مبنای این الزام جلوگیری از انتقال نامشروع منافع و حفظ تعادل اقتصادی میان اشخاص است (باریکلو، ۱۳۸۵).

از دیگر آثار مهم استیفای بلاجهت، الزام به استرداد مال یا جبران ارزش آن است. در بسیاری از دعاوی، شخصی مالی را بدون استحقاق قانونی دریافت می‌کند یا از منافع آن بهره‌مند می‌شود. در چنین مواردی، رویه قضایی بر این باور است که دارا شدن شخص نباید به زیان دیگری استمرار یابد و لازم است مال یا معادل ارزش آن به صاحب حق بازگردانده شود. این رویکرد با اصل منع دارا شدن بلاجهت و قاعده فقهی «اکل مال به باطل» نیز هماهنگ است (قاسم‌زاده، ۱۳۸۶).

بررسی آرای قضایی همچنین نشان می‌دهد که استیفای بلاجهت می‌تواند موجب مسئولیت مدنی شخص منتفع شود. در این وضعیت، شخص دارا شده موظف است کلیه منافی را که بدون مجوز قانونی تحصیل کرده است جبران نماید. این مسئولیت نه بر پایه قرارداد بلکه بر مبنای عدالت و جلوگیری از بهره‌برداری نامشروع شکل می‌گیرد. از این رو می‌توان گفت مهم‌ترین احکام ناشی از استیفای بلاجهت در رویه قضایی ایران عبارت‌اند از: الزام به رد مال، پرداخت اجرت‌المثل، جبران منافع مستوفات و اعاده وضعیت مالی زیان‌دیده به حالت پیشین (کاتوزیان، ۱۳۷۷؛ قاسم‌زاده، ۱۳۸۶).

استیفای بلاجهت به چه معناست؟

مفهوم استیفای بلاجهت در حقوق ایران با ایده «دارا شدن بدون سبب» پیوند خورده است. مقصود از آن وضعیتی است که در آن شخصی بدون وجود قرارداد، حکم قانون یا هرگونه سبب مشروع، از مال، منفعت یا عمل دیگری منتفع شده و در نتیجه بر دارایی او افزوده شود. در این حالت، افزایش دارایی شخص فاقد مبنای حقوقی بوده و به همین دلیل قانون و عدالت اقتضا می‌کند که منافع تحصیل شده به صاحب حق بازگردانده شود یا خسارت ناشی از آن جبران گردد (کاتوزیان، ۱۳۷۷).

در حقوق مدنی، اصل بر این است که هرگونه انتقال ثروت و افزایش دارایی باید دارای سبب قانونی باشد. بنابراین هرگاه این انتقال بدون علت مشروع تحقق یابد، وضعیت حاصل ناموجه تلقی می‌شود. حقوقدانان این وضعیت را مصداق «دارا شدن ناعادلانه» دانسته‌اند؛ زیرا شخصی بدون استحقاق قانونی سود می‌برد و در مقابل، دیگری متحمل کاهش دارایی یا از دست دادن منفعت می‌شود. از همین رو، استیفای بلاجهت را می‌توان یکی از ابزارهای تحقق عدالت ترمیمی در حقوق خصوصی دانست (قاسم‌زاده، ۱۳۸۶).

از منظر فقهی نیز استیفای بلاجهت با قواعدی همچون احترام مال مسلمان، منع اکل مال به باطل و قاعده لاضرر ارتباط دارد. این قواعد بر ممنوعیت بهره‌برداری از اموال و حقوق دیگران بدون مجوز شرعی و قانونی تأکید می‌کنند. به همین دلیل بسیاری از حقوقدانان معتقدند که مبانی فقهی استیفای بلاجهت در حقوق ایران بسیار قوی‌تر از برخی نظام‌های حقوقی غربی است و می‌تواند پشتوانه مناسبی برای توسعه این نهاد باشد (طباطبایی، ۱۳۹۲).

در نتیجه، استیفای بلاجهت را می‌توان وضعیتی دانست که در آن افزایش دارایی شخص و کاهش دارایی یا منفعت شخص دیگر بدون وجود سبب قانونی و مشروع صورت گرفته و در نتیجه، تعهد به جبران و بازگرداندن منافع ایجاد می‌شود. این تعریف با رویکرد غالب محاکم و نظریات حقوقدانان ایرانی نیز همخوانی دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۰).

انواع استیفا کدام‌اند؟

مطالعه منابع حقوقی و مطالب پایان‌نامه نشان می‌دهد که استیفا به طور کلی به دو نوع اصلی تقسیم می‌شود: استیفا از مال غیر و استیفا از عمل غیر. این تقسیم‌بندی بر مبنای منشأ منفعتی است که شخص از آن بهره‌مند می‌شود و در مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی نیز انعکاس یافته است.

استیفا از عمل غیر زمانی محقق می‌شود که شخص از فعالیت، تخصص، کار یا خدمات دیگری بهره‌مند گردد. در این حالت، چنانچه انجام‌دهنده کار قصد تبرع نداشته باشد و شخص منتفع نیز از خدمات وی استفاده کرده باشد، پرداخت اجرت‌المثل ضروری خواهد بود. ماده ۳۳۶ قانون مدنی دقیقاً بر همین مبنا استوار است و رویه قضایی نیز در بسیاری از دعاوی به آن استناد می‌کند. نمونه بارز این نوع استیفا، انجام خدمات حرفه‌ای یا فعالیت‌های فنی بدون انعقاد قرارداد رسمی است که در نهایت منجر به مطالبه اجرت‌المثل می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۱).

نوع دوم، استیفا از مال غیر است. در این حالت، شخص از مال متعلق به دیگری یا منافع ناشی از آن بهره‌برداری می‌کند. ماده ۳۳۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد هرگاه کسی با اذن مالک از مال او منتفع شود، در

صورت وجود شرایط قانونی، مسئول پرداخت اجرت خواهد بود. هدف از این حکم آن است که مالک از منافع مال خود محروم نشود و استفاده‌کننده نیز بدون پرداخت عوض مناسب از دارایی دیگران بهره‌مند نگردد (کاتوزیان، ۱۳۸۱).

برخی از نویسندگان حقوقی تقسیم‌بندی دیگری نیز ارائه کرده‌اند و استیفا را به «استیفای مشروع» و «استیفای بلاجهت» تقسیم نموده‌اند. در استیفای مشروع، بهره‌برداری از مال یا عمل دیگری بر اساس قرارداد، قانون یا رضایت معتبر صورت می‌گیرد؛ اما در استیفای بلاجهت، چنین مبنایی وجود ندارد و به همین دلیل مسئولیت جبران ایجاد می‌شود. این تقسیم‌بندی در تحلیل دعای مطروحه در محاکم از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا آثار و احکام هر یک متفاوت خواهد بود (قاسم‌زاده، ۱۳۸۶).

در مجموع، می‌توان گفت مهم‌ترین انواع استیفا در حقوق ایران عبارت‌اند از استیفا از مال غیر و استیفا از عمل غیر که هر دو در صورت فقدان سبب قانونی یا تحقق شرایط خاص می‌توانند مبنای مسئولیت ناشی از استیفای بلاجهت قرار گیرند.

نتیجه‌گیری:

پژوهش حاضر با هدف بررسی آثار و احکام استیفای بلاجهت در رویه قضایی ایران انجام شد. نتایج مطالعه نشان داد که استیفای بلاجهت یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوقی در حوزه الزامات خارج از قرارداد است که نقش اساسی در تحقق عدالت، جلوگیری از دارا شدن نامشروع اشخاص و حمایت از حقوق مالی افراد ایفا می‌کند. هرچند قانون مدنی ایران مقررات مستقلی تحت عنوان استیفای بلاجهت تدوین نکرده است، اما بررسی مواد مختلف قانون مدنی، به ویژه مواد ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۳۶ و ۳۳۷، بیانگر پذیرش ضمنی این نهاد در نظام حقوقی ایران است. همچنین رویه قضایی با تفسیر این مواد توانسته است بخش مهمی از خلأهای قانونی موجود را جبران کند و از طریق الزام اشخاص به استرداد منافع یا پرداخت اجرت‌المثل، مانع از استمرار دارا شدن بدون سبب شود (کاتوزیان، ۱۳۹۰؛ قاسم‌زاده، ۱۳۸۶).

یافته‌های پژوهش نشان داد که استیفای بلاجهت زمانی تحقق می‌یابد که شخصی بدون وجود سبب قانونی، قراردادی یا مشروع از مال، منفعت یا عمل دیگری بهره‌مند شود و در نتیجه دارایی او افزایش یابد. در چنین وضعیتی، عدالت اقتضا می‌کند که شخص دارا شده منافع به‌دست‌آمده را جبران کند و تعادل اقتصادی میان طرفین دوباره برقرار شود. این رویکرد با مبانی فقه اسلامی از جمله قاعده منع اکل مال به باطل، قاعده لاضرر و احترام مال غیر نیز سازگاری کامل دارد و نشان می‌دهد که نهاد استیفای بلاجهت علاوه بر مبنای حقوقی، دارای پشتوانه‌های فقهی مستحکمی نیز هست (طباطبایی، ۱۳۹۲؛ کاتوزیان، ۱۳۷۷).

بررسی انواع استیفا نیز نشان داد که استیفا از مال غیر و استیفا از عمل غیر مهم‌ترین مصادیق این نهاد در حقوق ایران محسوب می‌شوند. در هر دو مورد، هنگامی که شخصی بدون پرداخت عوض مناسب از مال یا خدمات دیگری بهره‌مند گردد، امکان مطالبه اجرت‌المثل و جبران منافع فراهم خواهد بود. رویه قضایی نیز در اغلب موارد با پذیرش این تحلیل، حمایت مؤثری از صاحبان حق به عمل آورده است. در واقع، دادگاه‌ها با تکیه بر اصول انصاف، منع دارا شدن بلاجهت و جبران خسارت، تلاش کرده‌اند تا از انتقال نامشروع ثروت جلوگیری کنند و حقوق اشخاص زیان‌دیده را احیا نمایند (باریکلو، ۱۳۸۵؛ قاسم‌زاده، ۱۳۸۶).

از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش می‌توان به این نتیجه اشاره کرد که اگرچه رویه قضایی ایران در شناسایی و اعمال آثار استیفای بلاجهت نسبتاً موفق عمل کرده است، اما نبود مقررات مستقل و جامع در این زمینه همچنان موجب بروز اختلاف‌نظرهای تفسیری در برخی دعاوی می‌شود. در بسیاری از موارد، تشخیص شرایط تحقق استیفای بلاجهت، حدود مسئولیت شخص منتفع و نحوه جبران منافع بر عهده دادگاه‌ها گذاشته شده است. این امر ممکن است به صدور آرای متفاوت در پرونده‌های مشابه منجر شود و امنیت حقوقی را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، هرچند رویه قضایی توانسته است خلأهای موجود را تا حدودی پوشش دهد، اما این جایگزین مناسبی برای قانون‌گذاری صریح و جامع نخواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۹۰؛ مردانی و بهشتی، ۱۳۸۰).

با توجه به اینکه بررسی منابع حقوقی و رویه قضایی نشان داد تعریف واحد و صریحی از استیفای بلاجهت در قوانین ایران وجود ندارد، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار در اصلاحات آتی قانون مدنی، تعریف جامع و مستقلی از این نهاد حقوقی ارائه کند. تبیین قانونی مفهوم استیفای بلاجهت می‌تواند موجب کاهش اختلافات تفسیری میان حقوقدانان و محاکم شده و زمینه اجرای یکنواخت قواعد مربوط به آن را فراهم سازد.

نظر به اینکه استیفا از مال غیر و استیفا از عمل غیر دارای آثار و احکام متفاوتی هستند، پیشنهاد می‌شود در قوانین موضوعه و همچنین رویه قضایی، معیارهای تشخیص هر یک از این دو نوع استیفا به صورت دقیق‌تر مشخص شود. این امر می‌تواند در تعیین حدود مسئولیت اشخاص، نحوه محاسبه اجرت‌المثل و شیوه جبران خسارت نقش مؤثری داشته باشد و از بروز آرای متعارض جلوگیری کند.

با توجه به اینکه بخش مهمی از احکام استیفای بلاجهت از طریق رویه قضایی شکل گرفته است، پیشنهاد می‌شود هیأت عمومی دیوان عالی کشور با صدور آرای وحدت رویه و تدوین دستورالعمل‌های قضایی، چارچوب مشخصی برای رسیدگی به دعاوی ناشی از دارا شدن بلاجهت ارائه دهد. این اقدام موجب انسجام بیشتر آرای محاکم، افزایش امنیت حقوقی و حمایت مؤثرتر از حقوق اشخاص در دعاوی مرتبط با استیفای بلاجهت خواهد شد. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در تحقیقات آینده به مطالعه تطبیقی نهاد استیفای بلاجهت در حقوق ایران و سایر نظام‌های حقوقی به ویژه حقوق فرانسه و فقه امامیه بپردازند تا از رهگذر شناسایی نقاط قوت و ضعف هر نظام، زمینه توسعه و کارآمدسازی مقررات حقوقی ایران فراهم شود.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

این پژوهش مطابق با اصول اخلاق حرفه‌ای در تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی و مبتنی بر منشور اخلاق پژوهش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انجام شده است و اطلاعات بدست آمده صرفاً در جهت پژوهش بکار گرفته شده است.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است. نویسنده اظهار می‌دارد که در ارتباط با انجام این پژوهش و نگارش مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- اریکلو، ع. (۱۳۸۵). شرح مسئولیت مدنی. تهران: میزان.
- طباطبایی، س. م. (۱۳۹۲). مبانی فقهی ضمان و مسئولیت مدنی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قاسم‌زاده، م. (۱۳۸۶). الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد (جلد دوم). تهران: میزان.
- سیدخندانی، م. (۱۳۹۲). حقوق تعهدات و الزامات خارج از قرارداد. تهران: میزان.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۷۷). وقایع حقوقی: الزام‌های خارج از قرارداد. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۱). الزام‌های خارج از قرارداد. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۹۰). الزام‌های خارج از قرارداد (جلد دوم). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- لنگرودی، م. ج. (۱۳۵۷). دایره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت. تهران: گنج دانش.
- مردانی، ن. و بهشتی، م. (۱۳۸۰). رویه قضایی در حقوق ایران. تهران: سمت.

Effects and rulings of unjustified estifay in judicial practice

¹Sorena Siahmard, ² Nahid Kamranzadeh³ Mohammad Rahim Behbahani

Abstract

Introduction and Objective: With the expansion of economic relations and the increase in financial interactions, cases of individuals benefiting from the property, benefit, or actions of others without a legal or contractual reason have been raised more than in the past, and examining its effects and rulings in the Iranian legal system has gained special importance. The present study aims to explain the concept of unjustified estifay, examine its types, and analyze the effects and rulings of this institution in Iranian judicial practice.

Research Methodology: The present study was conducted using a descriptive-analytical method and using library resources. The required data were collected through the study of books, scientific articles, jurisprudential and legal sources, relevant laws and regulations, and judicial opinions, and then examined using the content analysis method. The views of prominent jurists in the field of extra-contractual obligations and judicial practice related to unjust enrichment have also been analyzed.

Findings: The research findings showed that unjust enrichment in Iranian law refers to a situation in which a person benefits from another person's property, benefit, or action without any legal or legitimate reason, and as a result, his or her assets are increased. It was also found that enrichment in Iranian law is mainly divided into two types: enrichment from another person's property and enrichment from another person's action. A review of judicial practice also showed that courts, citing the rules of enrichment and unjust enrichment, oblige the beneficiary to pay restitution, return property, or compensate for the benefits obtained. In addition, the results indicate that despite the practical acceptance of this institution in judicial practice, the lack of independent and comprehensive regulations has led to some interpretative differences in determining the conditions for its realization and legal effects.

Conclusion: Anticipating effective performance guarantees for cases of unjustified acquisition is considered one of the important tools for realizing restorative justice in Iranian law and judicial practice, and can play a significant role in compensating for damages, protecting the rights of individuals, and preventing unjustified acquisition.

Keywords: Unjustified eviction, unjustified possession, judicial procedure, non-contractual obligations, Iranian law.

¹ M.A student, Law Department, Kazerun Branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran
Sardar.siahmard2020@iau.ac.ir

² *Assistant Professor, Department of Law, Kazerun Branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran. (Corresponding Author) Nahidkamranzadeh@iau.ac.ir

³ Assistant Professor, Department of Law, Kazerun Branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran. Mohammadrahimbehbahani@iau.ac.ir